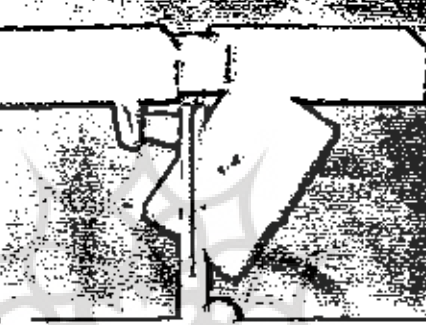


اروپاچی سازگی

سازگی نه اسلامی سازگی!

نارنجی یک مینوم
و خائشیای بر یک جناخته



کره که هر ۲ این قدرت‌های بزرگ - اروپا در مقام غرب و اسلام در مقام تمدن از همان ابتدا تحول تاریخی یکسانی دارند و متقابلاً یکدیگر را به چالش فرامی‌خورند. متأخرترین صورتی که این رابطه اختیار کرده است می‌تواند در مهاجرت امروزی و عظیم مسلمانان به اروپا دیده شود (در سال ۱۹۵۰ فقط ۸۰۰ هزار مسلمان در اروپای غربی بودند و اکنون ۲۰ میلیون نفر در آنجا ساکنند). روند مهاجرت به همین زمینه چالش متقابل تعلق دارد و نمود معاصر اروپایی که بین اسلام و اروپا است که هنری پیرنه آن را روایت کرده است.

در کتاب جنگ صلحی و جهاد - که در آن این تاریخ را در دوره بازسازی کردیم - سعی می‌کنم تا نگاهی جدید به نظریه پیرنه پیشنهاد و رابطه اسلام با اروپا را به عنوان یکی از نمودهای خندید و چنانچه متقابل دیرینه تفسیر کنم هر کدام دیگری را از لحاظ فرهنگی و تمدنی غنی کرده است، چه اینها با هم گیری اسلامی قرون وسطی از یونانی‌گری باشد یا تأثیر عقل‌گرایی اسلامی بر دوره نوزایی اروپا. آدم می‌تواند ۲۰ میلیون مسلمان را که امروزه در اروپا زندگی می‌کنند بخشی از همین زمینه تاریخی «هدید و چانه» محسوب کند چنان‌که کلسی (John Kelsay) - اسلام‌شناس آمریکایی - از سرزمین‌های محصور اسلامی که در اروپاست سخن می‌گوید آیا این امکان وجود ندارد که پالی بین اسلام و اروپا همانند قبل یافت شود؟ در سال ۱۹۹۲ در یک سخنرانی در پاریس ضمن طرح مفهوم اسلام اروپایی، من چنین پالی را مسالمت‌آمیز اصلاح شده آنفست.

آیا این موضوعی است که بنیان از افکار رایج به آن بحث کرده؟ تجربه من در مقام مسلمان که به عنوان مهاجر در اروپا زندگی می‌کند و تحقیقاتش را در

نمی‌دهم او چه چیزی را در اسلام اصلاح کرده است؟ وقتی که او پیروز گشتی - حسن الفیاء - را در کتابش، به عنوان مرجع اصلی «جدید حیات مسلمان» می‌ستاید آیا این اصلاح طلبی است؟ من در تحقیق خود به این نتیجه رسیدم که این مرجع معنوی و سیاسی اسلام‌گرایان جهادی است که صدقات نهایی آن نامت‌خواهی است در اینجا به آخرین مقاله خود «تمسک‌خواهی اسلام‌گرایان جهادی و چالش آن با اروپا و اسلام» - که در کتاب جنبش‌های تمسک‌خواه و دین سیاسی (انتشار در ۲۰۰۷/۱ هجری یا خلاصه) به چاپ رسیده - مشغول می‌کنم. این نظر به نتیجه محاسبات تحقیق است. وقتی رمضان حرکات اسلام برای اروپا را در هابیشی در سوند به طور خلاصه بازگو کرد با وقتی به مسلمانان در چاکلرنا گفت که اسلام یهود یا اسلام در تر است. می‌توان چنین گفتاری را اصلاح اسلامی نامید؟

پس این مطلب کفایت می‌کند که اگر کسان حاضر این مباحثه شرکت کنند با توجه به اینکه هیرسی علی را نماینده خود تلقی کرده و روشنگری را پیش‌شکل می‌کنند. پیشنهاد می‌کنم که آنها اثر پورگن هیرمرسی (Jürgen Habermas) «گفتار فلسفی مدرنیته» را مطالعه کنند. این اثر به آنها کمک می‌کند تا این سؤال را که ما واقعاً در چه موردی داریم سخن می‌گوییم، پاسخ گویند.

اکنون به مسئله‌ای که در پیش‌رو داریم می‌پردازیم. من اندک‌اندک به نظر به مطرح شده در کتاب هفتری پیرنه (Henri Pirenne) به نام «دین محمد شش‌لگنی وجود نداشت» می‌کنم (۱۹۳۰). این دیدن معناست که چارلز - بزرگترین مسیحی غرب - بدون چالش اسلام هرگز پا به عرصه وجود نمی‌گذاشت. پیرنه ثابت

پاسکال بروکنر در مقاله‌ای که در صفحات قبلی خواندید نگاه آیان هیرسی علی از اسلام دفاع کرده و در برابر او، تبعوتی کارتون‌اش و بیان بروما به دفاع از طارق رمضان - روشنفکر میانه و مسلمان - برخاستند. هیرسی علی به خاطر انتقادات رادیکال از قوانین اسلامی شناخته شده است و در عوض، رمضان، روشنفکری است که از اندام مسلمانان در جامعه اروپایی و نگاه میانه‌رو حمایت می‌کند. میان این آنگاه، نزاعی روشنفکرانه در گرفته است که بسیاری از متفکران اروپایی در آن شرکت کرده‌اند. از جمله این متفکران پیام طبیعی است. پیام طبیعی در گوشتینگن روابط بین الملل تدوین می‌کند و استاد دانشسگاه کورنل است. او نویسنده کتاب «اروپا بدون هویت» (در چندین مجلد به وسیله سیدلر و راک Siedler Verlag) و همچنین «اسلام بین فرهنگ و سیاست» است که توسط انتشارات پالی گریو (Palgrave) به چاپ رسیده است.

به خود اجازه خواهیم داد که درباره آیان هیرسی علی و طارق رمضان - که این مناظره درباره این استوار است - آ نظر بدهم آنچه هیرسی علی درباره اسلام می‌گوید، توهم به مسلمانان و به هر آن کسی است که چیزی درباره اسلام می‌داند. به عنوان مثال، وقتی او ادعا می‌کند که پیامبر و کتاب مقدس ما - قرآن - تمهلی پیش نپسته به تملی مسلمان توهم می‌کند و بر چهره تملی تاریخ‌دانان اسلام لیکندی تمسخر آمیز می‌زند. البته هیرسی علی شاید به نظر خود حق داشته باشد که به نام آزادی دینی به اسلام پشت کند و این کزای است که او انجام داده است اما او نباید فقط به صرف کسب وجهه برای خودناز دین سواستفاده کند.

در مورد رقیب او - طارق رمضان - که خود را استاد دانشسگاه آکسورد می‌داند (او به عنوان پژوهشگر برای مدت زمان کوتاهی در آکسورد به سر می‌برد) - کفر تحقیقاتی کرسی استادی نیست - اما در مورد تو، این غیر علمی نیست که با واقفیات بدین شیوه بر خورد می‌کنند. پینان من بر خلاف خیالی‌ها اصلاح اسلام - راه او نسبت

وقتی از من خواسته شد تا نظر خود را درباره این گفتوگو بیان کنم، تازه از آمریکا بازگشته بودم. آمریکاها تعبیری دارند که روش خوبی برای به چالش فراتوشن افرازی است که مایلند صحبت کنند اما چیز زیادی برای گفتن ندارند. هر بار چه داریم سخن می‌گوییم؟

موضوع اروپا و اسلام - بسیار مهم‌تر از شرح حال طارق رمضان و آیان هیرسی علی است که غالباً در آلیسی بی‌معنی به هم نزدیک می‌شوند. همچنین این موضوع بسیار با اهمیت‌تر از مناظره بین نویسنده کتاب صاحب‌نامی همچون تیموتی گرتسون‌اش یا پان بروماست که نه تنها شهرت یکسانی دارند که در صحبت غیر مسئولانه درباره اسلام شبیه یکدیگرند. در نظر من، این مناظره - که اهمیت فوق‌العاده برای آینده اروپا دارد - باید به شکل عینی بررسی شده و موضوع گیری شخصی دوری شود. این امر برای اروپاییان به همان اندازه اهمیت دارد که برای مسلمانانی همچون من که خفاش را در این قره یافته است.

هر غیر آنکه شاید به بر خورد شخصی متهم شوم

آمریکایان می‌دهند این است که من در رابطه با این موضوع آزادی بیان بیشتری در آمریکا دارم من هرگز کسی و کورتل (بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶) توانستم تصور از اسلام - اروپایی را ذیل مفهوم اروپایی‌سازی اسلام به عنوان پل بین تمدن بیشتر به دست دهم

طریق رمضان درباره اسلام اروپایی بدون هیچ انشائی به منابع خویش سخن می‌گویم و به عقیده من آن را تحریف می‌کنم من هرگز کسی و هر [کنکام] آشوبه کردن به مهاجرت اسلامی، عبارت اروپایی مسلمان یا اسلام - اروپایی؟ را وضع کردم همچنین این عنوان کتبی است که خطوط کلی نتایج طرح یوسی بر کلی درباره اسلام و هویت متغیر اروپا را ترسیم می‌کند که در آن تحقیق من درباره تنش بین اسلام گرای و اروپا گرای منظور شده بود اسلام - اروپایی، دو تعریف من ایجاد می‌کند که این تنش به وسیله استراخ فرهنگی از بین برود اکنون دقیقاً تبیین می‌کنم که مفهوم اسلام - اروپایی چه دلالتی دارد و چگونه چرا و به وجود آمد و بعد چگونه رمضان و لیوری (Oliver Roy) آن را تعریف کردند

در نوامبر ۱۹۹۲ متخصصان مؤسسه دمووند در پاریس به منظور تلاش برای یافتن مفاهیم جدیدی برای میانه‌جایی با مسئله همگونی و ادغام مهاجران اروپا که در دهه ۱۹۹۰ بر نظریات متقدم همگونی به عنوان پیش‌نیازی برای شهروندی، در برابر هجوم تعلیم مهاجران جدید دنیای اسلام تسلیم شده‌اند. این مهاجران بر اعتقاد به هویت فرهنگی شدن متمرکز هستند و خواستار آن شده‌اند که این هویت فرهنگی باید در اروپا ناپدید شود. به همین دلیل این متخصصان توصیه می‌کردند همگونی به نفع تغییر جدید ادغام آید اما کنار گذاشته شود؟ مفهوم ادغام صرفاً منتظر کردن از فرهنگ خود از طریق سازگاری کامل و مطالبه نمی‌کند بلکه صرفاً خواستار شرکت در نظام ارزش‌های مدنی جامعه مدنی است ادغام بر خلاف همگونی خود را به پذیرش هویت شهروندی که درون جامعه مدنی است محدود می‌کند بر حقوق و وظایف شهروندی تأکید می‌کند و از این رو پرسشی که در پاریس مطرح شد این بود: ادغام یا همگونی زندگی اجتماعی؟

اسلام در آن زمان (۱۹۹۲) در مرکز منازعه بود، زیرا آن زمان مسلمانان تقریباً ۱۳ درصد جمعیت فرانسه و بزرگترین گروه مهاجران را تشکیل می‌دادند در پاریس بود که من برای نخستین بار مفهوم مسوره نظر خویش از اسلام - اروپایی را مطرح کردم. به همین دلیل است که این نظریه می‌بایست درون زمینه مناظره فرانسوی جای پیدا می‌کرد من برای نخستین بار واژه اسلام - اروپایی را در مقاله‌م «تولید یک اسلام - اروپایی» وضع کردم؛ «اسلام اروپایی» همگونی یا ادغام زندگی اجتماعی، در هفتم دسامبر سال ۱۹۹۲، مجله «فاز» هم در مقاله‌ای با عنوان «اسلام - اروپایی با اسلام محلی؟» مهاجران مسلمان و ادغام در کشورهای اتحادیه اروپایی، آن‌ها آن‌گونه که در پاریس گزارش داد مجله تأیید نیز منتشر اسلام - اروپایی را در سال ۲۰۰۰ تأیید کرد.

مفهوم اسلام - اروپایی از مشاهداتی که من یک دهه پیش در غرب آفریقا (در دهه ۸۰) انجام دادم، نشأت می‌گیرد در سنگالی، من توانستم آفریقای مسؤی اسلام را شناسایی کنم من با دریافت اینکه چگونه اسلام در غرب آفریقا و به رغم اصل عربی آن انتخاب شده و چگونه اسلام بخشی از فرهنگ بومی شده، می‌پرسم که آیا امکان ندارد تلاش شود اسلام به همراه خط مشی مشابه برای اروپا بومی شود؟ اسلام مهاجران در اروپا کاملاً بیگانه می‌ماند زیرا اروپایی نیستند من در فصل دوم دهم چاپ جدید کتاب «در سایه الله» این دلفنان را بازگو می‌کنم و سپس می‌پرسم چگونه ما می‌توانیم اسلام را در اروپا به همان شیوه‌ای اروپایی کنیم که اسلام در سنگالی آفریقای شده

و در اندونزی آسیای جنوب شرقی؟

اما ابتدا باید روشن کنم که اسلام - اروپایی بدون تغییر فرهنگی که در گذشته اصلاحات دینی است غیر ممکن است و این چیزی نیست که طریق رمضان دنبال‌مروی آن باشد تاکنون مهملات زیادی به نام اسلام - اروپایی گفته شده و این مفهوم تبدیل به شعار مد روز و بی‌معنی شده است طریق رمضان نخستین کسی نیست که استفاده بی‌قصدی از این اصطلاح می‌کند، لیوری نیز معنایی کاملاً جدید به آن داده بی‌آنکه حتی یک بار به منبع آن رجوع دهد طریق رمضان اسلام را استفاده‌ش رابه عنوان اسلام - اروپایی احتمالاً قصد گمراه کردن معرفی می‌کند ما من می‌گویم که اروپایی کردن اسلام نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر اینکه مفاهیم مسلمانانه شریعت و جهاد از طریق اصلاحات فرهنگی، دینی ترک شوند و این اصلاحات از چشم‌پوشایی که در آن اسلام گرای از طریق دعوت و هجرت محقق می‌شود می‌گذرد تنها اسلامی که مطابق با اصول مدرن‌تر فرهنگ (دهمگوس) حقوق انسانی فردی، جامعه مدنی، دربردارنده کثرت‌گرایی باشد سر از راست که اسلام - اروپایی معنا شود و مضافاً اینکه مفهوم اسلام - اروپایی فقط در مورد اروپا به کار برده می‌شود به عبارت دیگر ایده اروپایی‌سازی، برخلاف ایده جهانی‌سازی، غربی‌سازی جهان - که جهان اسلام هم جزئی از آن است - جهان‌شمول نیست

اعتیاد گفتگو گوی اروپایی‌سازی تنها به مسلمانانی که در اروپا ساکن گزیده شد و به کثرت‌گرایی (مقصد ترکیه) محدود می‌شود که می‌خواهند اروپایی شوند ما در اینجا درباره تصور اسلام - اروپایی صحبت می‌کنیم که اکنون تبدیل به واقعیت شده است البته ما باید کشورها و راه‌های اسلامی را هم در نظر بگیریم که در اطراف اروپا هستند و اتحادیه اروپا از آنها به عنوان همسایگان اروپایی یاد می‌کند بی‌تردید ادغام مسلمانان در اروپا می‌تواند به دو گرایش‌سبب این همسایگان اروپایی کمک کند

انتظار می‌رود مهاجران مسلمان تصدیق کنند که اروپا هویتی اجتماعی داشته و حق حفظ این هویت را دارد این ادعا علیه مسلمانان نیست زیرا ایده اروپا فراتر است

اروپا می‌تواند به هویت مهاجران احترام بگذارد و بدون آنکه از آنها انتظار داشته باشد از دریافتشان از خویششان صرف‌نظر کند اگر او ادغام شوند این دریافتی است که در آن اسلام و اروپا همگونی اروپایی یکی می‌شوند این نادانی گزارش است که نیاز به اصلاح اسلام در اروپا را با خواست اینکه مسلمانان ایمان‌شان را ترک کنند با هم اشتباه گرفته است هیچ‌کس چنین خواستی ندارد تمام آنچه او دارد اجسام می‌دهد تنظیم به رمضان است اروپا به چنین اروپایی‌سازی نیاز ندارد که هویت اروپایی را - که به واسطه دعوت به اسلام به چالش فرخوانده می‌شود - تحمل نمی‌کنند

هویت اروپایی وقتی به شیوه‌ای مردسالارانه و روشنفکرانه درک می‌شود باید به عنوان هویت چلیمی فهم شود که اروپایی‌سازی اسلام در اروپا و همچنین در محدوده اتحادیه اروپایی گسترش یافته تصور شود من در مقام فردی مسلمان فرا گرفته‌ام ایده اروپا به مثابه هم‌زیمن آزادی در قیاسوس حکومت استبدادی، و اگر که از استانداردهای ماکس هور کهایمر - آفریقا گرفته‌ام فرج نهی او یکی از آیار ملدگان هولو کاست و بسیار آشنا با دیگر جریه اروپا بود ما در اینجا فقط به اروپای آزادی، روشنفکری در ارتباط هستیم و نه بالروایی استبدادی

بر سر اسلام - اروپایی به طور چشمگیری افزایش یافته است در عین حال این گفتگو نباید از طریق شخصیت‌بخشی یا مجادله تحریف شود اسلام گرایان پیوسته طیف اروپا اسلام جنگ می‌کنند و در سلفه‌هایی این واقعیت را که جمله «اروپا به تبعیض هستی» در نام‌های که به بدن مغفول تقوین کوخ چسبیده شده بود مسکوت گذاشتند این موضوع را نخستین‌بار هاند - بالکنند (Balkenend) - در نوامبر در دسامبر ۲۰۰۴ و در نشست سازمان تحت پریش «اروپا یک ایده زیاده» فاش ساخت

به دنبال جنایت استرداد مؤسسه نکوسوس در هلند طرح اروپایی و اروپا آمریکایی مهمی را با کمک دولت هلند در ارتباط با ایده اروپا به راه انداخته مهاجرات در چندین شهر اروپایی - اروپا گرفته تا برلین و ورشو - برگزار شد این طرح در میان موضوعات دیگر که از نام جنبه اروپا ایده‌های زیاده برزور بود، با ایده اسلام - اروپایی در ارتباط بود اروپا به رغم گذشته که تمدنی در ارتباط با جنگ جهانی و جنایات نازی‌ها - وجه دیگری نیز دارد اروپایی آزادی، حقوق انسانی فردی، دموکراسی، کثرت‌گرایی و جامعه مدنی این تفکری زیباست که می‌تواند با غیر اروپاییان و همچنین با مسلمانان تقسیم شود اسلام - اروپایی تلاشی است برای اینکه ایده هویت اروپایی را به مثابه سنت‌های اسلام برای مسلمانان پذیرفتنی کند من در سخنرانی‌ام در روتردام این سؤال را مطرح کردم که آیا گذشته از شهروندی قانونی، مسلمانان می‌توانند با اختصاص دادن ارزش‌های اروپایی در زمینه اسلام - اروپایی که هویت مهاجران و شکل می‌دهد شهرت قلب‌هم باشند یا خیر

در این گفتگو باید در تشخیص بین اسلام و اسلام گرای محافظ پانثیم اسلام، بوری دینی و نظامی فرهنگی است در حالی که اسلام گرای یک مکتب است اروپا یا روشنفکری به دنیای افسوس‌ناک شده و موجب شده که شامل ارزش‌های جهان‌شمول است که نه قومی است و نه دینی و متعلقاً شامل همه چیز می‌شود این فراگیری مبتنی بر صداقت با دیگران است اینها صرفاً اصطلاحاتی دشمنانه نیستند بلکه انگیزی برای فهم آن واقعیتی هستند که من به دلیل زندگی خود در اروپا و به عنوان فردی مسلمان و عرب‌پا آن آشنا هستم اروپا در حقیقتی به این انگیزی جامع در زمینه مهاجرت به چالش فرخوانده شده است آنچه مهاجران به دلیل نقش خود نیز مند دست‌هایی به آن هستند تلاشی است برای هماهنگ کردن هویت‌شان با اروپا و نظام فرهنگی آن، اسلام - اروپایی تگرشی است که هدفش تحقق بخشیدن به این امر است به رغم اتهامات به طرف مخالفه تفکر اروپایی، تفکری مسیحی نیست این تفکری سکولار است و نمایش در بازگشت به یونان قرار دارد در واقع تمدن اسلامی، همان بازگشت به یونان در میان منابع عقل‌گرای اسلامی قرون وسطی وجود داشت پس پلی مرتبط بین این دو وجود دارد

یک فرد مسلمان می‌تواند بی‌آنکه مسیحی بوده و در اروپا پادشاه داشته باشد اروپایی باشد تنها شرط لازم، انطباق با ارزش‌های اجتماعی اروپایی است که خود نتیجه عصر نوزایی، نهضت اصلاح دین، عصر روشنفکری و انقلاب فرانسه است و اگر چنین انطباقی را انجام دهید می‌توانید مسلمان بمانید اما چگونه مسلمانان واقعا می‌توانند شهروندی اروپایی شوند و از «اروپا ایده‌های زیاده» بدون اصلاح و بازاندیشی در اسلام حمایت کنند؟ اسلام گرایان فرایده اروپای زیاده سهم نمی‌شوند و نسبت به نیاز به اصلاحات دشمنی می‌ورزند آنها ادغام در اروپا را مسیحی شدن پنهان تلقی می‌کنند و بی‌مطالعانه آن را رد می‌کنند اسلام گرایان طرفدار ادغام نیستند و می‌خواهند اروپا را از طریق جهاد اسلامی کنند اروپاییان فقط می‌توانند این

موضوع را با هم با مسلمانان اروپایی دفع کنند در این برخورد تعیین‌کننده‌ای دقیق اسلام - اروپایی سرنوشته‌ها نیست سیاستمداران اروپایی بی‌شمار در دفاع از تفکر

اروپایی سخنرانی می‌کنند اما آیا آنها خود و اظهارات خود را جدی می‌گیرند؟ اغلب شهرت‌اند مسلمان اروپا به تصور اسلام - اروپایی دینی بدبینانه دارند زیرا هنگامی که اروپایی‌سازی چالش اسلامی به عنوان امری همه‌گیر تبلیغ می‌شود کمالات با همکل همراه نمی‌شوند همان‌طور که در بالا ذکر شده شمول‌گرایی اروپایی انگیزی است که باید به آن رسید نه یک واقعیت محقق درست یا شبه اسلام اروپایی

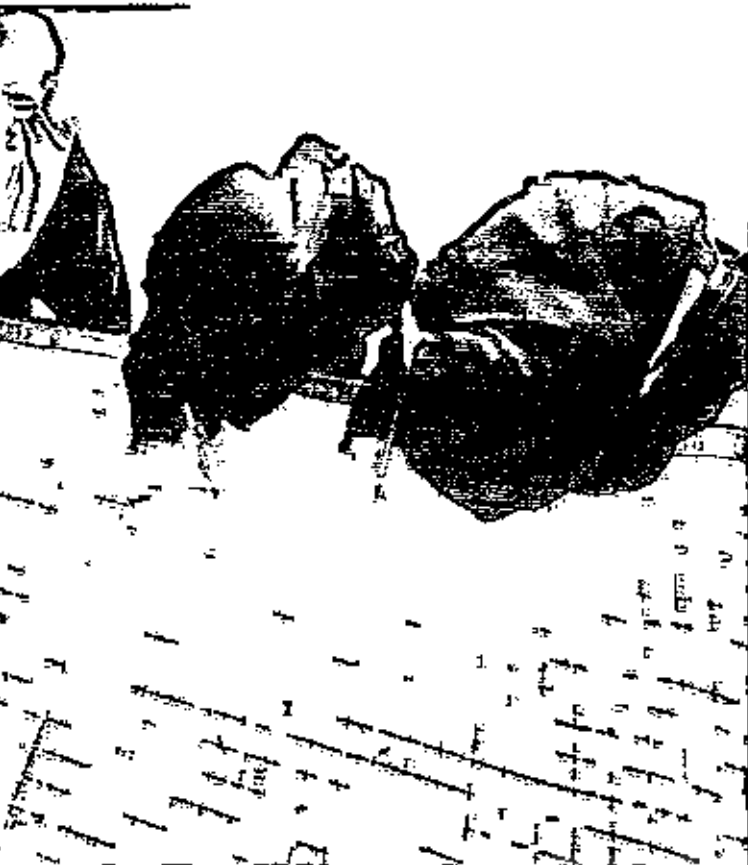
به عبارت دیگر، برای یکجا جمع کردن اسلام و اروپا در خاک اروپا هم مسلمانان و هم اروپاییان به چالش فرخوانده می‌شوند تا کار خود را در یک طرح و برای صلح درونی اروپا انجام دهند

این موضوع باید به عنوان تحولی سازنده درک شود که اروپاییان امروزی از اروپا مداری پیشین خود روی برگرداندند اما متأسفانه این گرایش جنبه منفی نیز دارد چون برای افراد زیادی آنگار گذشتن اروپا شدنی است هنوز کنار گذاشتن ارزش‌های اروپایی معنا می‌دهد بحثی که ما در اینجا با آن مواجه هستیم بحثی است که در آن ضرورت‌شناسی به عنوان نوعی بنیادگرای پست‌مدرن است فرست‌مناسی است که اروپاییان نیز دارد تصویری که اسلام - اروپایی ارائه کرد در می‌گیرد مشخصاً به نظر گرفتن اتحادیه اروپایی به عنوان جامعه‌ای روشنی و این نهضت به ارزش‌های اروپایی قرض می‌گیرد که اسلام گرایان از آن بویی نیز بهره‌جست حنفی - اسلام گرای میهمو - به دوستی دریافت که اروپا در بحران است و از کم کردن راه درونج است و محل اسلام با اروپاییان را با هم پیوند می‌دهد متأسفانه که چنین نیست در طرح کورتل - که در راست آن را پروفیسور پتر کاتزن لشتاین به همه دولت - من طرحی را برای آینده اروپا با چالش اروپایی‌سازی اسلام یا اسلامی‌سازی اروپا صورت‌بندی کردم با هجوم مسلمانان از آفریقا مخصوصاً از کشورهای جنوبی و شرقی مدیترانه - جایی که هویت صرفاً اسلامی است برخی روحانیون مسلمان باید آن هستند که دارالاسلام (خانه اسلام) باید تا اروپا گسترش یابد آموزه اسلامی راست‌اندیش توصیه می‌کند که هجرت (مهاجرت) باید در خدمت به توسعه جهانی اسلام باشد

پیدايش جوامع مشابه نخستین قدم در این جهت است و هر چه روشین حقیقت سیاسی باید امکان بحث از آن‌ها در این مورد وجود داشته باشند

ما باید به احتیاط قلب‌دهیم وقتی طریق رمضان (که روزنامه Die zeit او را «دلال دوچاپ» می‌نامد) اروپا را دلالش چانه می‌نامد کلری جز این نمی‌کند که اروپا به عنوان سرزمین اسلامی مصدقی از دارالاسلام می‌خواهد این معنا آشکار است اروپا با تمام اهداف و قصدهای متناسب با آن، صرفاً به این دلیل که برابر اسلام گشوده است بخشی از دارالاسلام می‌شود امام زکی بدلوی - لندن فشنپی که ملکه به نوشتن افتتاحیه عطا کرده - تأیید همین خط‌مشی بود که در گردهمایی اقتصادی جهان در داووس اتفاق داشت هر سرزمینی که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند به دارالاسلام تلقی دارد اسلام - اروپایی برخلاف اروپاییان نابخشوده سلفی گرایان دست راستی و اسلام گرایان، در بی‌آن است که با هویت

اروپا



نظریه ناقص

اسلام اروپایی در گذشته اروپا
دکتر محمد انگری



در میان راهکارها و طرح‌های نظری که غربی‌ها برای برقراری از تباطؤ منطقی با جهان اسلام و مسلمانان غربی ارائه کرده‌اند طرح اسلام اروپایی بسام طیبی - پژو هشگر و جامعه‌شناس سوری ساکن اروپا - از شهرت و وزامی برخوردار است. بخشی از این شهرت به دلیل توجه زیاد سیاستمداران غربی به این طرح بوده است. براساس این طرح اروپاییان باید مسلمانان ساکن اروپا را با روح انقلاب فرانسه و ارزش‌های مدرنیته آشنا کنند. در واقع اروپاییان برای آنکه هویت خود را حفظ کنند باید هویت طرف مقابل (یعنی مسلمانان) را تغییر دهند.

آنچه در زیر می‌خوانید گفت‌وگو با دکتر محمد انگری است. وی مدیر بخش زبان آلمانی صدای جمهوری اسلامی ایران است و با طرح و نظریه طیبی آشنایی کافی دارد.

اصطلاح اسلام اروپایی از سوی بسام طیبی - جامعه‌شناس سوری - ارائه شده است. درباره دست‌های پیدایش این اصطلاح توضیح دهید؟
بسام طیبی استاد سوری‌الاصول دانشگاه توینگن و از مهم‌ترین نظریه‌پردازان اسلام اروپایی است. وی در کتاب «اروپا بدون هویت» به طور مبسوط به این موضوع پرداخته است. طیبی مهاجرت را یکی از راه‌های تبلیغی دین اسلام می‌داند و آن را به نوعی با هجرت پیامبر گرامی اسلام گره می‌زند. طیبی معتقد است که هجرت نقش مهمی را در تاریخ اسلام داشته و به همین سبب نیز تاریخ اسلام را با هجرت پیامبر محاسبه می‌کند. او معتقد است که از منظر اسلام، هجرت وظیفه‌ای دینی برای مسلمانان است. آنها با هجرت دین خود را تبلیغ می‌کنند طیبی می‌گوید بسیاری از مسئولان اروپایی با این مفهومی

اروپا سهیم شود و نه عکس آن. مطمئناً این همان طریقه که در خطبه کورنل در بالا ذکر شده. طرح‌هایی متفاوت برای آینده اروپا هستند و اکنون رئیس حزب عدالت و توسعه - طیبی اردوغان - هم از یک «جست‌وجوی ارزش‌های مشترک» صحبت می‌کند. این چه اجتماعی است؟ ارزش‌های اروپایی چه هستند و چه چیز هویت اروپا را تشکیل می‌دهد؟ آیا جهانی‌سازی غربی باید دست در دست نسبت‌گیری اروپایی بدهد؟ این مسائلات در گفت‌وگو اروپایی امروز نه تنها مورد توجه قرار نمی‌گیرند بلکه حتی تابو هستند. در مقام یک مسلمان و یک اروپایی - بنا به تصمیم خود - خوبتر است خود را از لای بیابان برای زمین برهنه تابوهای اروپا

هستیم. من در مقام یک مسلمان در آن‌جا که هر غم سبک‌تری‌های پوشش فرصت بیشتری داشتیم تا درباره این پرسش‌ها گفت‌وگو کنم تا در اروپا تصور اروپایی‌سازی اسلام پاسخ‌هایی برای مسائلات مطرح شده در بالا فراهم می‌آورد. در اینجا من باز به طرح اسلام و هویت متغیر اروپا اشاره می‌کنم که در مرکز ادعای گلدایوسی برکنی برای مطلقیت خلیفه و به وسیله دیگران برای مطلقیت اروپایی آغاز شده است. در کتابی که منتشر شده نشان شده که اسلام دارد اروپا را فراموشی می‌گیرد و هویت آن را تغییر می‌دهد. نویسندگان این کتاب هر ۲۰ سال کتابی و با تباری اسلامی اروپایی هستند. نژاد السید احمدی محمد خاور میسای و مائوسل کانتلر، اقدیس‌مندی اسپانیایی متبحر در مطالعات اروپایی.

این آقا قدیس‌مندی در تحقیق نشان برای راحل‌های نمازهای که از تکبیر اروپایی محور به دور بود سال‌ها پیش از من دعوت کردند تا مفهوم خود را اسلام اروپایی را به عنوان پیش بین تمدن‌ها در طرح آنها ادغام کنم. نتیجه کتاب اروپایی مسلمانان با اسلام اروپایی که بود عنوان کتاب به روشنی انتخاب‌های در دسترس اروپایی می‌کنند یا اروپا اسلام را اروپایی می‌کنند یا اسلام اروپا را اسلامی می‌کنند. آنگاه شامل گرامی هم در تفکر اندرونی‌ها می‌تواند به این رقابت لگونا با سکونت پاسخ دهند یا با استفسار در نظام سیاسی چه بخواهیم و چه نخواهیم همه چیز در این حال تحول است و تحول ادامه می‌یابد. مگر آنکه به طریقی و دگر به سکونت یا خودساخته شوند.

این منازعه درباره پرونده‌های عربی است و کار زیادی با اروپایی‌ها اسلام انگاره، هر غم تعلم خصوصت‌هایی که نسبت به اسلام روا داشته می‌شود. من با آگاهی از این خطر در نوشتن کتاب جلاویگری از پر خورشید تمدن‌ها که آن را در لندن چاپ کردیم پیشین آلمان - رومان هرزگ (Roman Herzog) - نوشته و کتابی است به کتاب سلسله‌مات هانتینگتون، هسکری کردیم اروپاییان می‌توانند با سهیل ست اروپایی‌سازی یا چالش موجود رویه و شوند مفهوم اروپایی‌سازی همان طریقه که با ایندولوزی جهانی غربی‌سازی مخالف است. تنها به تحقق بخشیدن ارزش‌ها و معیارهای اروپایی در محدوده خود اروپا و سرزمین‌های آن محدود است. اروپا مخالف آن چیزی است که اسلام گرامیان یا مسلمانان راست کیش بدان متفقدند و بپناه به دارالاسلام تلقین ندارد و هویت غیر اسلامی خود را دارد که مهاجران مسلمان باید بدان احترام گذازند. اکنون ما با امر لازم الاجرای ذیل نهاد می‌مانیم. آنهایی که تلاش می‌کنند به اروپا بیایند باید سعی داشته باشند بخشی از جمله آن باشند و به عقیده همگانی همگانی که در نظام ارزشی آن بیان می‌شود بیایند آنها باید بخواهند اروپایی شوند و در هویت اروپایی شرکت کنند تا اینکه در بی‌تفسیر آن باشند در یک کلمه اروپایی شدن. نه اسلامی شدن اگر این گذشته اندیشه سیاسی

